



From internet

:

<http://harahmati.blogfa.com>
ha.rahmati@gmail.com

: اریک اشمیت^۱، مدیر عامل شرکت گوگل، در سال ۲۰۱۳ در کنفرانسی با عنوان «چتر بزرگ» (Big Tent) وقتی درباره برنامه های آینده دنیای فناوری سخن گفته از یک «انقلاب موبایلی» (mobile revolution) در ۵ تا ۱۰ سال آینده خبر داده و گفته است که در آن زمان با آمدن گوشی های هوشمند به بازار که توانایی اتصال غیر قابل کنترل به اینترنت را دارند، دیگر دولت ها نمی توانند با کارهایی چون فیلترینگ مانع آگاهی شهروندان خود شوند. (اصل خبر را در^۲ و گزارش فارسی آن را در^۳ بخوانید).

رصد و ردیابی خبرهایی از این دست نشانگر آن است که سیر شتابنده برنامه ریزی برای گسترش نرم افزارها و سخت افزارهای مربوط به دسترسی هر چه بیش تر، آسان تر، ارزان تر، و همگانی تر شهروندان جوامع امروز به آن چه در فضای سایبر تولید و توزیع می شود قصد متوقف شدن ندارد. این که طرح هایی از قبیل آن چه آقای اشمیت گفته کی و چگونه صورت تحقق می پذیرد، امری ثانوی است. نکته مهم تر آن است که بدانیم برنامه هایی از قبیل «انقلاب موبایلی» گوگل چه پیامدهایی برای جامعه ما دارد و ما برای مواجهه معقول و منطقی با آن چه باید بکنیم. آن چه در این جا مطرح می شود بیشتر ناظر به پیامدهای اخلاقی، فرهنگی و تربیتی این مسئله و چگونگی مواجهه با آن است.

پروژه هایی چون انقلاب موبایلی آقای اشمیت، اندیشوران، مدیران، سیاستگذاران فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، نهادهای تبلیغی و فرهنگی، و در نگاهی وسیع تر، همه دلسوزان کشور ما را، بخواهند یا نخواهند، با پرسش هایی از این دست مواجه می کند:

۱. آیا برنامه هایی چون انقلاب موبایلی امکان وقوع دارد؟ در صورتی که پاسخ مثبت است، آیا باید از آنها ترسید؟

^۱. en.wikipedia.org/wiki/Eric_Schmidt

^۲. <http://www.google.com/hostednews/afp/article/ALeqM5hrr3zDLsd8lts93Q-nn7yytRcs0A?docId=CNG.48a9bb5618bba18381d9fab36c912d5b.171>

^۳. <http://www.asriran.com/fa/news/269542>

۲. نقاط قوت و ضعف این گونه برنامه ها و فناوری ها چیست؟ چه باید کرد که در عین بهره برداری از مزایای آنها، از پیامدهای منفی شان در امان بمانیم؟ آیا اصلا تفکیک بین این دو ممکن است؟
۳. آیا مدیران و شهروندان خود را برای روزگار «اینترنت بدون فیلترینگ» تربیت کرده و آموزش داده ایم؟
۴. مهم ترین پیامدهای شکل گیری و افزایش ضریب نفوذ انقلاب موبایلی و امثال آن برای جامعه ای چون جامعه ما، با مختصات دینی، ملی، فرهنگی و اجتماعی خاص آن، چیست؟
۵. اشمیت و کسانی چون او از هم اکنون برای کارهای آینده خود ایده پردازی، برنامه ریزی و سرمایه گذاری کرده اند؛ ما برای آماده سازی جامعه خود برای مواجهه معقول و مناسب با این برنامه ها چه کرده ایم؟
۶. آیا استقبال روز افزون از جدیدترین فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی در دنیای امروز و در جوامع مختلف، از جمله در جامعه ما، نشان دهنده این است که چه ما بخواهیم چه نخواهیم فناوری خود را بر ما تحمیل می کند؟
۷. نقش اراده و اختیار انسان، و نقش باورهای دینی و ارزش های اخلاقی و فرهنگی در مواجهه با این فناوری های چیست؟

: حتی اگر رویای اینترنت بدون فیلترینگ دست کم تا آینده ای نزدیک به طور کامل محقق نشود باز هم مدیران و شهروندان جامعه ما از هم اکنون آن را تعبیر شده فرض کرده و برای مواجهه صحیح شهروندان کشورمان با آن برنامه ریزی کرده و تدبیرهای لازم را بیانیدهند، به گونه ای که کاربران در عین برخورداری از مزایای فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی، از آفت های آن حتی المقدور در امان بمانند. در صدر این برنامه ها نیز بایستی توانمندسازی، دانش افزایی و بالابردن آگاهی شهروندان و رشد و تربیت اخلاقی و فرهنگی آنان باشد.

ممکن است گفته شود هم اکنون هم برخی کاربران کشور ما با استفاده از برنامه های مختلف، فیلترینگ را دور می زنند و در واقع به اینترنت بدون فیلتر دسترسی دارند. در پاسخ باید گفت اولاً هدف انقلاب موبایلی آن است که کاربران دیگر نیازی به فیلترشکن و مانند آن نداشت باشند، ثانیاً همین مطلب نشان می دهد که بایستی مدعای این مقاله، یعنی آماده ساختن شهروندان برای روزگار بدون فیلترینگ، را جدی گرفت، ثالثاً اگر روزی برنامه هایی از قبیل آن چه آقای اشمیت از آن خبر داده است، محقق شود و به جامعه ما نیز وارد شود، دغدغه هایی که امروزه درباره استفاده نادرست از اینترنت وجود دارد، و معمولاً موجب فیلترینگ می شود، در آن زمان چندین و چند برابر خواهد شد.

: هدف اصلی این گونه طرح ها آن است که به هر اندازه مقدور است شهروندان بیشتری از کشورهای مختلف جهان بتوانند بدون مواجه شدن با موانعی چون فیلترینگ از امکانات فضای مجازی استفاده کنند. به عنوان مثال، به محتوای موجود در اینترنت دسترسی پیدا کنند، خود به تولید و توزیع محتوا در فضای سایبر بپردازند یا عضو شبکه های اجتماعی شوند. فراهم کردن دسترسی شهروندان به موبایل های بدون فیلتر تنها یکی از کارهایی است که در این راستا انجام می شود و در این زمینه ها طرح های دیگری نیز در دست اجرا است. اینها البته نمی تواند تنها انگیزه های چنین طرح هایی باشد، بلکه انگیزه های دیگری چون کسب سودهای کلان، یافتن قدرت و اقتدار افزونتر به واسطه برخورداری از اطلاعات بیشتر (با توجه به شعار *information is power*)، و حفظ برتری خود در بازار پر رقابت این فناوری ها نیز بی تردید در این میان نقش جدی دارد.

آن چه آقای اشمیت مطرح کرده و این که روزی برسد که افراد جوامع مختلف بدون استفاده از هیچ فیلترشکنی بتوانند از فضای مجازی استفاده کنند حتی اگر اکنون در حد یک ادعا باشد و اجرایی شدن آن چندان نزدیک به نظر نرسد، ولی ولع سیری ناپذیر انسان امروز برای تولید و توزیع فناوری های مربوط به فضای سایبر، و رقابت شدیدی که بین غول های این عرصه وجود دارد نشان گر آن است که وقوع این وعده ها را باید جدی گرفت و آن ها را واقع شده فرض کرد و برای مواجهه با آنها آماده شد. بعلاوه که وقتی موسسه ای چون گوگل اعلام می کند چنین برنامه هایی را دارد می توان حدس زد که مقداری از مسیر را طی کرده است که حاضر شده آن را به طور علنی اعلام کند.

بله. برنامه هایی چون انقلاب موبایلی به طور جدی به جامعه ما و تک تک شهروندان آن در حال و آینده مربوط است. چرا که اولاً این گونه برنامه ها در سطح کلان خود برای شهروندان همه جوامع در نظر گرفته شده است که طبیعتاً شامل کشور ما هم می شود (همانطور که هم اکنون نیز کابران جامعه ما از دیگر برنامه ها و خدمات شرکت هایی چون گوگل استفاده می کنند)، ثانیاً دست اندرکاران این پروژه ها گاه با صراحت از کشورهایی چون ایران نام برده و آن ها را به عنوان جامعه هدف برای برنامه های خود معرفی کرده اند. بنابراین، ما نیز باید توجه به پرسش هایی که در ابتدای این مقاله به آنها اشاره شد این پروژه ها را جدی بگیریم.

پروژه هایی چون انقلاب موبایلی مجموعه ای از مزایا و مشکلات است و به همان اندازه که ایجاد ارتباط بین انسان ها یا دسترسی به محتوای فضای سایبر را آسان تر می کند، طبیعتاً مشکلاتی را نیز به دنبال دارد. عطف توجه مقاله حاضر به این مشکلات است. با توجه به اخلاق گریزی ها و اخلاق ستیزی هایی که در فضای مجازی وجود دارد بدیهی است که دسترسی بی حد و مرز به این فضا، موجب گسترش چشمگیر این ناهنجاری ها می شود. به عبارت دیگر، از منظر مسئله اخلاق و تربیت و فرهنگ، پروژه هایی چون انقلاب موبایلی امکان وقوع مسائل و مشکلات از این قبیل را در جامعه ما افزایش می دهد:

۱. نقض حریم خصوصی کاربران
۲. افزایش ناهنجاری های اخلاقی و تربیتی
۳. کم شدن تاثیر نهاد های اخلاقی و تربیتی سنتی تاثیر گذار در جامعه ما، از قبیل خانواده
۴. هموارتر شدن راه برای هژمونی فرهنگ های وارداتی
۵. تسریع و تشدید اختلال هویتی، اخلاقی و تربیتی نسل جوان
۶. نقض حاکمیت ملی دولت ها
۷. مواجه شدن کاربران جامعه ما با مجموعه ای از داده های متفاوت، و گاه متناقض، با باورهای دینی و اخلاقی خود؛ بدون کسب آمادگی لازم برای مواجهه درست با آنها.

چه بخواهیم چه نخواهیم، دنیای امروز با فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی پیوند خورده است و هر روز بر کمیت و کیفیت و عمق و گستره نفوذ، و در نتیجه بر شدت تاثیرات مثبت و منفی آن افزوده می شود. فعالان این عرصه هم برای کارهای خود در این زمینه از ما اجازه نمی گیرند و منتظر اقدامات ما هم نمی شوند (به فرموده امام علی(ع): من نام لم ینم عنه؛ اگر در خواب غفلت باشی، دیگران از تو غافل نخواهند بود). بنابراین، بهترین کاری که در این معرکه می توان انجام داد آن است که ضمن پذیرش این وضعیت به عنوان یک «واقعیت موجود»، برای مواجهه درست با آن برنامه ریزی نموده و خود را هر چه توانمندتر سازیم که گفته اند: «برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی / که در نظام طبیعت ضعیف پامال است».

برای توانمندسازی اخلاقی، تربیتی و فرهنگی شهروندان جامعه خود، به ویژه نسل جوان، لازم است نکته های زیر مورد توجه قرار گیرد:

1. بپذیریم که پروژه هایی چون انقلاب موبایلی گوگل، اموری ساده، سرسری و مقطعی نیست، بلکه خوب و بد آن به طور جدی بر سرنوشت جامعه ما از ابعاد مختلف تاثیر می گذارد. بی خیالی در این مورد بسیار پرهزینه است.
2. جدی گرفتن دستاوردهای جدید در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات البته به معنای ترس و وادادگی در برابر آنها هم نیست. بلکه چاره کار «برخورد فعال و آگاهانه» است.

- 3.** «انسان» در برابر «ماشین» توانایی هایی و مزیت هایی دارد که چنانچه آنها را به فعلیت برساند می تواند آن را در اختیار بگیرد و تا جایی که ممکن است از عوارضش در امان بماند. مهم شناخت ماشین از یک طرف و شناخت انسان از سوی دیگر، و برنامه ریزی و تلاش از سوی سوم است.
- 4.** «شناخت متوهمانه» از فناوری های اطلاعات و ارتباطات یا ما را «مجذوب» آنها می کند یا «مرعوب»، و در هر دو حالت، در پیدا کردن راه چاره به مشکل برمی خوریم.
- 5.** انسان امروز به دلایل مختلف نسبت به این فناوری ها نوعی «احساس نیاز» پیدا کرده است. این احساس می تواند واقعی یا کاذب، یا ترکیبی از هر دو باشد، اما در اصل مسئله تردیدی ایجاد نمی کند. برنامه ریزان و سازندگان این فناوری ها هم از این احساس نهایت استفاده (یا سوء استفاده) را می برند.
- 6.** « » « » : نبایستی از ابتدا بنا را بر مقابله با فناوری های جدید گذاشت. موضع گیری خصمانه موجب می شود که توان شناسایی و بهره گیری از منافع آنها را از دست بدهیم. علاوه بر آن، مخاطبان ما، که اغلب نسل جوان هستند، این گونه برخورد با فناوری های جدید را ممکن است بر دشمنی ما با هر گونه دستاورد علمی و فناورانه، و در واقع با هر گونه رشد و توسعه و رفاه، حمل کنند. بنابراین باید به دنبال یافتن راه «مواجهه» صحیح با این فناوری ها بود نه لزوماً «مقابله» با آن ها.
- اهمیت مطلب بالا زمانی روشن تر می شود که موضع گیری نسبت به فناوری هایی چون انقلاب موبایلی، از سوی کسانی مطرح شود که مبلغ یا مدافع دین هستند. در این مواقع برخی از مخاطبان بسیار مستعد این هستند که هر گونه موضع گیری غیرمعقول را به دین نسبت دهند و از آن مخالف دین و دینداران با توسعه و پیشرفت را نتیجه بگیرند.
- 7.** : گر چه توجه به راه ها و روش های سلبی «در جای خود» و «به اندازه ضرورت» لازم است ولی نباید موجب غفلت ما از کارهای ایجابی شود. بنابراین باید اساس کار شهروندان و مدیران جامعه ما بر تربیت باشد. این تربیت اولاً باید جنبه های فرهنگی و اخلاقی را به طور جدی در بر بگیرد، ثانیاً بایستی هم شامل حال مدیران بشود هم شهروندان.
- 8.** : تربیت، بدون آگاهی امکان پذیر نیست. بنابراین، لازم است آموزش و آگاهی دادن به جامعه به عنوان یک فرایند دائمی و برنامه ریزی شده و مبتنی بر اصول در دستور کار مدیران و شهروندان قرار گیرد. آموزش موجب پیشگیری می شود که قطعاً هزینه اش از درمان، کمتر است. نخستین گام بایستی دانش افزایی گروه های تاثیر گذار و مرجع جامعه (والدین، مدیران، نخبگان) باشد.
- مشکلات فرهنگی، تربیتی و اخلاقی که از ناحیه فناوری های جدید ارتباطاتی و اطلاع رسانی دامن گیر جامعه ما، به ویژه نسل جوان، می شود، در بیشتر موارد ناشی از عدم آموزش و آگاهی کافی آنان است. البته این کار لازم است با توجه به شاخصه های عصر جدید و تربیت «انسان اخلاق مدار در قرن بیست و یکم» انجام پذیرد. این که اصول، ابزارها و روش های این آموزش و آگاهی بخشی چیست، نکاتی است که بایستی جداگانه و به طور مفصل بررسی شود.

:

[راهکارهایی برای اخلاقی تر شدن فضای مجازی](#)

[موانع و چالش های اخلاقی شدن فضای سایبر](#)

[«والدین و «بلوغ دیجیتال» فرزندان: بحثی در شکاف دیجیتالی بین - نسلی.](#)

[فناوری، الان؛ اخلاق؟، شاید وقتی دیگر :! بحثی در خوش اشتباهی فناورانه و دزدگی اخلاقی](#)

[«کلس» و مسئله اخلاق: نگاهی به گجت جدید گوگل](#)

[آیا کیوتران «صفر و یک» مقصراند؟](#)

[گفت و گویی درباره «چیستی اخلاق فناوری اطلاعات»](#)

www.harahmati.blogfa.com